



دیدگاه

موضوع: ملاحظات در خصوص تعیین دستمزد

شماره: ۵۳۷

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۰۹

تهیه و تنظیم: محمدرضا رفتی

توضیح اجمالی:

تعیین حداقل حقوق و دستمزد در پایان هر سال به یک موضوع چالش برانگیز تبدیل می‌شود. چرا که از یک سو، عقب ماندن نرخ تعدیل دستمزد از نرخ تورم به مفهوم کاهش قدرت خرید کارگران است و از سوی دیگر، افزایش دستمزد به افزایش قیمت تولیدات و تقویت نرخ تورم و کاهش رقابت پذیری تولیدات داخلی منتهی خواهد شد.

در اینجا ذکر چند نکته حائز اهمیت است. اول، سهم حقوق و دستمزد (جبران خدمات) در ارزش تولید کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سالهای اخیر حدود ۷ درصد بوده است. در سالهای ۹۰، ۹۱ و ۹۲ با عنایت به افزایش شدید در قیمت انرژی و ارز، قیمت نهاده‌های وارداتی و به تبع آن نهاده‌های داخلی و قیمت تولیدات^۱ افزایش شدیدی داشته، حال آنکه افزایش دستمزدها کمتر از ۲۰ درصد در سال بوده است. بنابراین انتظار می‌رود سهم حقوق و دستمزد به حدود ۵ درصد ارزش تولیدات صنعتی رسیده باشد.

نکات کلیدی:

۱. گرچه اثر تورمی افزایش دستمزد به هزینه دستمزد در یک بنگاه محدود نمی‌گردد و کالاها و خدمات مورد نیاز در زنجیره تامین بنگاه نیز از این مسئله تاثیر می‌پذیرند، لکن با سهم اندک هزینه دستمزد، انتظار نمی‌رود که هزینه تولیدات صنعتی از افزایش ۲۵ یا حتی ۳۰ درصدی دستمزد، بیش از ۳ یا ۴ درصد تاثیر بپذیرد، گرچه می‌تواند دستاویزی برای قیمت‌های بالاتر شود.
 ۲. باتوجه به شوکهای تورمی سالهای اخیر که بیش از افزایش نرخ دستمزد بوده‌اند، قدرت خرید جامعه کاهش یافته است و در صورت تداوم این امر، رکود اقتصادی تقویت خواهد شد، زیرا عمده تولیدات کشور در داخل به مصرف می‌رسد.
 ۳. باید به اثر کاهش قدرت خرید دستمزد بر بهره‌وری نیروی کار و تبعات سیاسی و اجتماعی آن، نظیر نارضایتی، فساد، دزدی، فقر و فحشا، نیز توجه داشت.
- از این رو، ملاحظات نظیر تورم و کمبود نقدینگی نباید دستاویزی برای کاهش مستمر دستمزد واقعی کارگران و حقوق کارمندان باشد. گرچه، بهره‌وری نیروی کار نیز می‌باید به همراه تورم در اصلاح دستمزدها مد نظر قرار گیرد.

تایید رئیس موسسه:

تایید رئیس گروه مشاوران:

^۱ - نرخ تورم قیمت تولید کننده در سالهای ۹۰ و ۹۱ به ترتیب ۳۴/۲ و ۲۹/۶ درصد بوده و انتظار می‌رود در سال جاری بیش از ۳۰ درصد باشد.